



اعلام جرم علیه رژیم اسلامی به همت گروه مهر

کنفرانس ۲ سپتامبر ۲۰۰۳ که به مناسبت قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۶۷ تشکیل شد و طی آن اعلام جرمی علیه رژیم اسلامی به اطلاع مردم رسید با سخنان محمد پروین به زبان انگلیسی آغاز گشت. متن زیر ترجمه این سخنان است:

خانم ها و آقایان:

از طرف مهر ایران و همه کسانی که برای تشکیل این کنفرانس کار کرده اند از شرکت شما سپاسگزار هستم.

در یادبود قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۱۹۸۸، بسیار خوشحالم که طرح اعلام جرمی را علیه رژیم اسلامی، وزارت اطلاعات و امنیت، سپاه پاسداران، علی اکبر رفسنجانی و علی اکبر فلاحیان در دادگاه فدرال امریکا اعلام کنم.

این اعلام جرم از طریق مرکز عدالت و حسابرسی انجام گرفت و بدون کمک آنها این کار امکان پذیر نبود. آقای جاشوا ساند هایمر بعدا در مورد جزئیات این اعلام جرم صحبت خواهند کرد.

به من اجازه بدهید که به شما بگویم بنیاد مهر چگونه در گیر پروسه طرح شکایت علیه رژیم اسلامی شد و چگونه به اینجا رسیدیم. در اواخر سال ۱۹۹۶ هنگامیکه من در اینترنت در جستجوی مطالبی در مورد فعالیتهای جنائی رژیم اسلامی در صحنه بین المللی بودم به اعلان کوتاهی برخوردم که در آن به تشکیل جلسه ای از طرف سازمان ملل در مورد تشکیل یک دادگاه جزائی بین المللی اشاره شده بود. امکان اینکه بتوان جنایتکاران رژیم اسلامی را بدادگاه کشاند و برای هزاران قربانی این رژیم عدالت خواهی کرد اثر بسیار عمیق و آنی بر من داشت.

ما سعی کردیم که جامعه ایرانی را در مورد دادگاه جزائی و دیگر نهادهای بین المللی که از طریق آنها میتوان شکایت کرد آگاه کنیم. ارتباط تنگاتنگی را نیز با گروه انتلافی دادگاه جزائی ایجاد کردیم و در فعالیتهای بخش جنوب کالیفرنیا قبل و بعد از تشکیل دادگاه جزائی شرکت کردیم. البته از آنجائیکه دادگاه جزائی نمی توانست عطف به ماسبق کند، ما تلاش خود را از طریق دیگر نهاد های بین المللی، قوانین و معاهده هایی که در رسیدگی به جنایت علیه بشریت حیطة عمل جهانی دارند دنبال کردیم.

تلاشهای خستگی ناپذیر ما و تعلق ما به امر افشای نقض حقوق بشر در ایران، دفاع از زندانیان سیاسی و تشکیل کنفرانس های متعدد در مورد نقض حقوق بشر، در کنار تماس و همکاری متقابل با چند تشکیلات بین المللی حقوق بشر از جمله سازمان عفو بین الملل، منجر به این شد که ما به دو دست آورد بزرگ که به آن افتخار میکنیم نائل شویم.

۱- ما مورد قبول جامعه ایرانی قرار گرفتیم و احترام و اعتماد آنها را جلب کردیم و نتیجتاً بسیاری از قربانیان رژیم اسلامی به ما رو آوردند و به ما این اختیار را دادند که بعنوان افراد مورد اطمینان آنها از جانب آنها بر علیه رژیم اسلامی طرح شکایت کنیم.

۲- ما مورد پذیرش سازمانهای بین المللی حقوق بشر نیز قرار گرفتیم و این شانس را یافتیم که بتوانیم با توصیه سازمان عفو بین الملل حمایت مرکز عدالت و حساب رسی را در انجام کارهای قضائی این اعلام جرم علیه رژیم اسلامی بدست آوریم.

امروز، ما اعضای مهر ایران خوشوقتیم که بعد از سالها کار سخت نهایتاً علیرغم همه موانع به هدف خود رسیده ایم و توانسته ایم این اعلام جرم را در دادگاه مطرح کنیم. برای شخص من این

ما بدنبال عدالت خواهی برای قربانیان رژیم اسلامی هستیم چرا که بر این باوریم که صلح بدون عدالت بدست نخواهد آمد. ما همچنین معتقدیم که طرح اعلام جرم وسیله موثری برای پایان دادن به مشروعیت بخشی به رژیم اسلامی از طرف دولت های سود جوی خارجی است.

امروز سالگرد قتل عام هزاران زندانی سیاسی در تابستان ۱۹۸۸ در ایران توسط رژیم اسلامی است. سال گذشته به ابتکار بنیاد مهر، قطعنامه ای در کنفرانس سالانه ناحیه جنوب سازمان عفو به تصویب رسید که اول سپتامبر بعنوان روز جهانی قتل عام شناخته شود. این قطعنامه در مجمع عمومی سازمان عفو در سال ۲۰۰۳ مورد تائید و تصویب قرار گرفت و روز اول سپتامبر بعنوان روز جهانی حقوق بشر از طرف سازمان عفو بین الملل امریکا شناخته شد.

بعد از ۱۵ سال هنوز مشخص نیست که دقیقا چند نفر در این قتل عام جان سپردند. گروه مهر نام و مشخصات ۴۵۳۷ نفر از قربانیان را که توسط گروه های مختلف سیاسی و حقوق بشر گزارش شده است جمع آوری کرده است. این اسامی بصورت کتابی در آمده است که شامل چندین گزارش و منجمله گزارش سازمان عفو در مورد این واقعه وحشتناک میباشد. تخمین نفرات اعدام شده به ۳۰ هزار نفر هم میرسد ولی تعداد دقیق کشته شدگان، احتمالا فقط بعد از بر چیده شدن بساط ترور در ایران مشخص خواهد شد. ولی آیا واقعا فرقی میکند؟

آنچه که مهم است اینست که جامعه جهانی به بی تفاوتی خود نسبت به این واقعه وحشتناک و دیگر موارد نقض حقوق بشر در ایران ادامه داده است.

همچنانکه ماه گذشته من در مقاله ای نوشتم سیاست فعلی امریکا را میتوان با این اصطلاح ایرانی با دست پس زدن و با پا پیش کشیدن ترسیم کرد. از یک سو، پرزیدنت بوش ملایان حاکم بر ایران را رژیمی تروریست میخواند و از تلاش ایرانیان برای سرنگونی این رژیم یاد میکند. از طرف دیگر، وزیر امور خارجه او، کالین پاول، موضعی کاملا مخالف این را به کرات

شعارهای اخیر تظاهرات مردم ایران که بعنوان نمونه "مرگ بر خامنه ای" و "شرم بر خاتمی" بودند یک دعوی خانوادگی را نشان نمی دهد.

چگونه میخواهید مردم نفرت خود را از این رژیم تروریست و سرکوبش بیان کنند؟ چند نفر از دانشجویان باید دستگیر، شکنجه و اعدام شوند تا شما بپذیرید که مردم ایران این رژیم نمی خواهند؟ چند نفر نظیر زهرا کاظمی باید مورد تجاوز قرار بگیرند، شکنجه و کشته شوند تا شما قبول کنید که این رژیم تروریست است و ارزش به رسمیت شناخته شدن را ندارد؟ آیا توجه کردید که اکثریتی از مردم ایران علیرغم تلاش فراوان و همه فراخوان های خاتمی از شرکت در انتخابات اخیر خود داری کردند؟ در خلال نطقی در ۴ اگست، خاتمی، معبود غربیها گفت:

"... من عاشق همیشگی امام خمینی هستم و همیشه از خواست مردم برای آزادی در چارچوب مذهب حمایت میکنم."

و ما همه میدانیم که معبود او خمینی که بود. او موسس سیستم ترور، بنیان گزار رژیم اسلامی و کسی بود که با افتخار فرمان قتل عام ۱۹۸۸ را صادر کرد.

مسخره اینجاست که وزارت امور خارجه امریکا ایران را بعنوان رژیم تروریست شناخته است. آیا اشتباه کردند؟ دیگر به چه احتیاج است که قانع شوند این رژیم تروریست است و نباید مورد حمایت امریکا و جامعه جهانی قرار گیرد؟ این رژیم تا بحال هشت بار برای انجام کارهای تروریستی علیه شهر وندان امریکائی محکوم شده است. این رژیم در عملیات تروریستی

توسط عوامل رژیم ترور شده اند. و این رژیم، رژیمی ایران اپوزیسیون ایرانی حتی در خارج که آقای پاول و همتای انگلیسی او جک استرا یک دموکراسی میخوانند، رژیمی که میخواهند با او گفتگو و بحث های مدنی بر قرار کنند، هزاران زندانی سیاسی را بخاطر اینکه شریک عقاید واپس گرایش نشدند قتل عام کرد.

لابی گران کمپانیهای نفتی و پیش جبهه های ایرانی آنها نظیر ای-ای-سی (شورای امریکائی ایرانی) و طیفی از افراد و بسیاری از قانون گزاران امریکائی، ارتباط بین امریکا و ایران را بصورت سیاه و سفید ترسیم کرده اند. آنها سناریوی مداخله نظامی را پیش میکشند که بسیار راحت نتیجه بگیرند که برای جلوگیری از عواقب فاجعه آمیز آن امریکا باید با رژیم اسلامی گفتگو و تجارت کند.

سیاست ایده الی که خواست ایرانیان دوستدار آزادی است و منافع مردم امریکا را نیز در بر دارد در هیچ یک از این دو راه یافت نمی شود.

بدیل انسانی اینست که امریکا تلاش مردم ایران برای دموکراسی را به رسمیت بشناسد و رسماً اعلام کند که رژیم اسلامی را بعنوان نماینده مردم ایران نمی شناسد. امریکا باید بگذارد که ایرانیان آزادی خود را بدست آورند.

متأسفانه، بنظر میرسد که امریکا بدنبال این راه حل انسانی نیست و مذاکرات مخفیانه ای را با رژیم اسلامی آغاز کرده و زمینه را برای تجدید مناسبات دوستانه با این رژیم جنایتکار مشروط به شرایطی آماده کرده است که هیچ ربطی به توقف نقض حقوق بشر در ایران ندارند.

حتی اگر رژیم اسلامی شرایط امریکا را بپذیرد، اجازه بررسی دقیق فعالیتهای اتمی خود را بدهد، اعضای القاعده را اخراج کند، حتی اگر عملیات تروریستی خود را علیه امریکا متوقف کند، این رژیم هنوز رژیمی جنایتکار است. یک ماشین کشتار که حقوق اولیه مردم ایران را نفی کرده است. این رژیم نباید مورد قبول جامعه متمدن قرار گیرد. ما از جامعه جهانی می‌خواهیم که این خیانت علیه مردم ایران را متوقف کند و اجازه ندهد که دولتهایشان تلاش مردم ایران را برای آزادی و دموکراسی نادیده بگیرند.

در سال ۱۹۹۶، کنگره امریکا قانونی را گذراند که این امکان را ایجاد کرد که بتوان علیه دولت ایران که بعنوان رژیمی تروریست شناخته شده است در دادگاه فدرال امریکا اعلام جرم کرد. شناخت این رژیم توسط امریکا و تجدید روابط بزودی منجر به برداشتن رژیم از لیست تروریست ها خواهد شد. این امر نتایج فاجعه آمیزی خواهد داشت و دیگر طرح اعلام جرم علیه رژیم در دادگاه های امریکا امکان پذیر نخواهد بود. اگر این اتفاق بیافتد، امریکا عملاً به تمامی جنایتکاران رژیم اسلامی مصونیت جزائی داده است.

ما مصمم هستیم که نگذاریم چنین اتفاقی بیافتد و در انجام این امر با وجود اینکه از موضع آن بخش از دولت امریکا که مخالف مشروعیت بخشی به رژیم اسلامی است استقبال میکنیم، تنها به کمک مردم آزادی دوست امریکا و قدرت رای یک بلوک رای دهنده غیرجانبدار متکی هستیم که در تلاش ایجادش هستیم.

متشکرم.